

## Examining and Comparing Economic Justice from the Perspective of Rumi with Conventional Economics

Zohreh Razavi<sup>1</sup>

Saeed Khairkhan Barzaki (Corresponding Author)<sup>2</sup>

Seyed Abdollah Razavi<sup>3</sup>

Received: 2 September 2024

Reception: 2 December 2024

### Abstract

One of the important economic and social issues in societies is economic justice. What is raised in conventional economics in this regard challenges what is stated in Iranian-Islamic economic culture. Therefore, this article aims to answer the question "What is the difference between conventional economics and economic justice in the Masnavi?" by examining Rumi's theories and recommendations on economic justice, using a library and descriptive method. The findings of this research show that society achieves economic justice when individuals in the society achieve the wealth and income that are their right. According to Rumi's economic teachings, if justice is implemented in society, poverty will disappear, class divisions will not arise in society, and economic security will also be achieved in society.

### Keywords

Justice, Economy, Social, Rumi, Conventional

---

<sup>1</sup>PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Energy Economics and Management, Tehran Petroleum College, University of Petroleum Industry, Tehran, Iran

### بررسی و مقایسه عدالت اقتصادی از منظر مولانا با اقتصاد متعارف

زهره رضوی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲  
 سعید خیرخواه برزکی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup> تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲  
 سید عبدالله رضوی<sup>۳</sup>

#### چکیده

یکی از موضوعات مهم اقتصادی و اجتماعی در جوامع، عدالت اقتصادی است و با توجه به این که تشکیل نظام اسلامی بر اساس استقرار عدالت می باشد، توجه به موضوع عدالت اقتصادی امری ضروری است. لذا این مقاله قصد دارد با بررسی اشعار مولوی و توصیه های او در خصوص عدالت اقتصادی، با روش کتابخانه‌ای و توصیفی به این سؤال که "تفاوت نظریات اقتصاد متعارف و عدالت اقتصادی در مثنوی چیست؟" پاسخ دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد جامعه وقتی به عدالت اقتصادی می‌رسد که افراد جامعه به ثروت و درآمدی که حق خود آن‌هاست، دست پیدا کنند. براساس تعالیم اقتصادی مولوی اگر عدالت در جامعه پیاده شود، فقر از بین خواهد رفت و شکاف طبقاتی در جامعه به وجود نخواهد آمد و امنیت اقتصادی نیز در جامعه محقق خواهد شد. نظریه های علم اقتصاد، عدالت را امری قراردادی می‌داند اما مثنوی آن را مفهومی حقیقی بیان می‌کند.

#### کلمات کلیدی

عدالت، اقتصاد، اجتماعی، مولوی، متعارف

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. رایانامه: [zrazavi94@chmail.ac.ir](mailto:zrazavi94@chmail.ac.ir)

<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. رایانامه: [s.kheirkhah92@gmail.com](mailto:s.kheirkhah92@gmail.com)

<sup>۳</sup> دانشیار گروه اقتصاد و مدیریت انرژی، دانشکده نفت تهران، دانشگاه صنعت نفت، تهران، ایران. رایانامه: [srazavi@put.ac.ir](mailto:srazavi@put.ac.ir)

## ۱. مقدمه

### ۱.۱. بیان مسئله

عدالت اقتصادی یکی از اصول بنیادین در تخصیص منابع و درآمدهای جامعه به شمار می‌رود. این مفهوم همواره مورد توجه محققان بوده و تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. مکاتب گوناگون هر کدام به دنبال تعریفی از عدالت، بیان ابعاد آن و چگونگی مبارزه با بی عدالتی بوده اند.

بر اساس تعالیم اسلامی عدالت باعث حیات و بی نیازی مردم می شود. هم چنین عدالت سبب انسجام بین انسانها در جامعه است و در صورت نبود عدالت، نظام و اجتماع از هم فرو می پاشد. حضرت علی اجرای عدالت را ملاک حکمرانی صحیح می دانند و ظلم را سبب از هم پاشیدن حکومت بیان می کنند.

از آنجایی که در متون ادبی نیز مانند متون اسلامی کمتر موضوعی به اندازه عدالت مورد توجه واقع شده است و هدف تشکیل نظام اسلامی برپای عدالت است، توجه به این موضوع امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. در این راستا یکی از متون ادبی که به بحث عدالت تاکید نموده، مثنوی معنوی است. مولوی در این اثر نه تنها عدالت را یک اصل اخلاقی می‌داند، بلکه آن را ضرورتی اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌کند. در دیدگاه مولوی عدالت اقتصادی به معنای رعایت حقوق اقتصادی انسانها در روابط اقتصادی آن هاست و هدف آن توزیع عادلانه ثروت میان تمامی افراد جامعه است. این مفهوم بیشتر بر ابعاد اجتماعی و اخلاقی تأکید دارد و شامل تمامی مراحل اقتصادی، از مبادله تا توزیع ثروت می‌شود. در مقابل، اقتصاد متعارف بیشتر بر سودآوری متمرکز است. مولوی بر این باور است که بدون عدالت، هیچ حاکمیت و نظام اقتصادی پایدار نخواهد بود. پرسش اصلی پژوهش این است که مفهوم عدالت اقتصادی از نظر مولوی چیست و چه تفاوتی با اقتصاد متعارف دارد؟

با بررسی این مساله، این پژوهش تلاش خواهد کرد، نشان دهد که چگونه آموزه های اخلاقی و اقتصادی مولوی می تواند به غنای مباحث اقتصادی امروز کمک کند.

### ۲.۱. پیشینه پژوهش

حسن تواناییان فرد، در کتاب «ادبیات از دیدگاه اقتصاد»، به بررسی موضوعات اقتصادی در کتب ادبی پرداخته است. کتاب حاضر از سه قسمت تشکیل شده

است. که در قسمت اول به اخلاق اقتصادی، مالکیت و رابطه کارگر و سرمایه دار پرداخته است و در قسمت دوم اشعار اقتصادی شاعران و در قسمت سوم امثال و حکم اقتصادی را بیان می کند.

مهدی زاهدی (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان جایگاه عدالت در مثنوی و ارتباط آن با آموزه های اسلامی به بررسی ابعاد عدالت در مثنوی پرداخته است. او عدالت را مهمترین مفهوم اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی دانسته است که مولوی در مثنوی بر آن تاکید نموده است.

بلوری (۱۳۹۶) در مقاله *جایگاه ارزشی اقتصاد و ثروت در قرآن و مثنوی*، این موضوع را بررسی نموده و به جنبه های مثبت و منفی داشتن مال و ثروت و چگونگی توزیع ثروت پرداخته است.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله *آموزه های اقتصادی مولانا در مثنوی*، توجه مولانا را به مسایل اقتصادی و معیشتی بررسی نموده اند و تأثیر این مسایل بر زندگی مردم را باز نموده اند.

حیدری (۱۳۹۳) در پایان نامه خود تحت عنوان *بررسی کهن الگوی آرمان شهر در حدیقه سنایی و مثنوی مولانا* به بررسی مفهوم آرمان شهر در این دو اثر نفیس پرداخته است. در این اثر به ویژگی هایی همچون عدالت، قناعت و کسب و کار که ویژگی یک شهر آرمانی است، اشاره شده است.

عباس زاده، فاضل و همکاران، (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان *بررسی شاخصه های حکومت دینی در قصه های تمثیلی مثنوی مولوی*، به بررسی شاخصه های مهم حکومت دینی از جمله عدالت، معنویت و عبودیت، کمال و فضیلت و حکمت و تدبیر، فرخ باری و مردم داری، مبارزه با سلطه گری و تساهل بر رعیت در قصه های مثنوی پرداخته است.

### ۳.۱ روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با استناد به خوانش متن و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بحث و بررسی عدالت اقتصادی در مثنوی معنوی می پردازد. در این روش، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله می پردازد.

به منظور انجام هر پژوهشی، محقق نیازمند ابزاری است که با روش تحقیق پژوهش مورد نظر هماهنگی داشته باشد. در این پژوهش که به روش کتابخانه ای انجام شده است، از اسناد چاپ شده به منظور ابزار استفاده شده است. فرهنگ ها، کتاب مثنوی معنوی، کتاب هایی که در زمینه عدالت اقتصادی به رشته تحریر درآمده اند، از جمله اسناد مورد استفاده هستند. همچنین مقالات

کنفرانسی و متن‌هایی که به صورت فایل در بانک‌های اطلاعاتی موجود هستند نیز همچون مواردی که ذکر شد، مورد بررسی و فیش برداری قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل یافته‌ها در پژوهش حاضر به صورت کیفی انجام شده است. نویسنده ابتدا کلیدواژه‌های مدنظر را جستجو نموده، سپس از کتاب‌های اقتصادی و نظریات مرتبط در اقتصاد کلاسیک بهره برده است. پس از آن درخصوص جنبه ادبی و تاریخی موضوع مورد بررسی از کتاب‌های مولانا جلال الدین بلخی و همچنین مقالات مرتبط استفاده گردیده است. در آخر پس از فیش برداری، تحلیل و بررسی یافته‌ها انجام گردیده است.

### ضرورت و اهمیت تحقیق

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین عرفای اسلامی، دیدگاه‌های عمیقی درباره عدالت دارد. در اشعار او، عدالت به عنوان پایه‌ای برای ساماندهی اجتماعی و اقتصادی بیان می‌شود و بی‌عدالتی را نتیجه عدم رعایت اصول اخلاقی و انسانی می‌داند. تحقیق در این زمینه می‌تواند به تبیین بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های دو دیدگاه کمک کند. بررسی عمیق‌تر مفاهیم عدالت از منظر مولانا و مقایسه آن با اصول اقتصاد متعارف می‌تواند منجر به شناخت بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود در هر یک از این نظام‌ها شود. همچنین، این تحقیق می‌تواند به توسعه نظریات جدیدی در زمینه عدالت اقتصادی کمک کند که همسو با ارزش‌های انسانی و اسلامی باشد.

### ۴.۱. مبانی نظری پژوهش

#### تعریف اقتصاد

«اقتصاد در لغت به معنی میانه‌روی به‌ویژه در دخل و خرج است، اما در اصطلاح به دانشی گفته می‌شود که به بررسی تولید، ثروت، مصرف کالاها، خدمات، سازمان دادن به ثروت، صنعت و منابع ملی و استفاده بهینه از اندیشه‌ها می‌پردازد.» (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۸). چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و همچنین نتایج این‌گونه فعالیت‌ها را نیز اقتصاد می‌گویند (محتشم دولتشاهی، ۱۳۸۱: ۲۱). اقتصاد به مفهوم جدید، یک علم تجربی اجتماعی مولود انقلاب صنعتی پرورش‌یافته، در دامان عصر نوین تاریخی است (فروغی، ۱۳۷۷: ۱۴) که در سیر پیشرفت خود با تکامل جامعه صنعتی همگام است.

دو رویکرد اقتصادی را در دنیای امروز می‌توان یافت: ۱- اقتصاد متعارف.

#### ۲- اقتصاد اسلامی

رویکرد اقتصاد متعارف که بر اساس آموزه‌های غربی و مکاتب ساخت دست انسان نظیر مکتب کلاسیکی و مارکسیستی و .... پایه گذاری شده است (محتشم دولتشاهی، ۱۳۸۱: ۲۲) و رویکرد اقتصادی اسلامی که مبتنی بر آموزه های اسلامی به نقد اقتصاد متعارف می پردازد (کوچک زاده، ۱۳۹۵). از آنجا که اقتصاد با زندگی روزمره مردم نظیر معیشت آنان مرتبط می باشد، این مسائل در آثار شعرای هر دوره تا حدودی دیده می شود. در آثار شعرای اسلامی، تعاریف این مفاهیم یا نقد و نکوهش اقتصاد متعارف که با آموزه های اسلامی مغایرت دارد، دیده می شود.

از آنجا که در این پژوهش، مفهوم عدالت اقتصادی بررسی می شود، نظریات مربوط به این مباحث نیز مورد کاوش قرار می گیرد.

### عدالت اقتصادی مبتنی بر رویکرد اقتصاد متعارف

از جمله متفکرانی که بحث عدالت را مطرح کرده است جان رالز است. او سعی می کند عدالت و آزادی را با هم مطابقت دهد. عدالتی را که رالز معرفی می کند، عدالت توزیعی است. از نظر او عدالت مانند انصاف است. او بیان خاصی از قراردادگرایی ارائه می دهد. وضع اصیل از نظر او کاملاً فرضی است که در آن انسان می خواهد یک نظام اجتماعی و توزیع عادلانه را پایه گذاری کند، در صورتی که نسبت به جنبه های شخصی و منافع فردی خود اطلاع ندارد. فرد نمی تواند منافع خود را در اصول عدالت دخالت بدهد. این فرد اگر چه از روی جهل تصمیم می گیرد، اما عقلانی است و انتخابی عقلانی دارد (واعظی، ۱۳۸۴: ۳۶ - ۵۸).

از نظر رالز عدالت حذف امتیازات بی دلیل و ایجاد یک تعادل واقعی میان خواست های متعارض انسان ها در ساختار یک نهاد است. او معتقد است که هر فرد باید حق برابری با دیگران را در برخورداری از گسترده ترین آزادی های اساسی، به گونه ای که با آزادی های دیگران سازگار باشد، داشته باشد. او می گوید مفهوم عدالتی که من قصد آن را دارم، به صورت دو اصل قابل توضیح است: اول این که هر شخصی که در یک نهاد اجتماعی شرکت دارد یا تحت تأثیر آن واقع می شود، نسبت به گسترده ترین آزادی که با آزادی مشابه برای همه سازگار باشد، حقی برابر دارد. دوم این که نابرابری ها بی وجه اند، مگر این انتظار معقول باشد که نابرابری ها به نفع همگان انجام شود و به شرط آن که مقامات و مناصبی که نابرابری ها بدان وابسته اند یا از طریق آن حاصل می شوند در اختیار همه باشند (جان رالز، ۱۳۷۶). رالز موضوعاتی مانند درآمد، ثروت و آموزش را خیرات اولیه معرفی می کند که این ها باید به صورت مساوی در بین مردم جامعه وجود داشته باشد و در دو نکته باید نابرابری را قبول کرد:

۱. نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی طوری باشد که بیشترین منافع را برای افراد محروم‌تر و کم‌تر بهره‌مند جامعه در پی داشته باشد.

۲. ترتیب اجتماعی به‌گونه‌ای باشد که امکان دسترسی به مناصب و موقعیت‌ها را برای همگان، تحت شرایط برابر و منصفانه به وجود بیاورد (همان، ۳۳).

رالز بر این باور است که تفاوت افراد در استعدادها، طبیعی و موقعیت‌های خانوادگی و اجتماعی که به دنبال خوش‌شانسی آن‌ها را به دست آورده‌اند، نمی‌تواند مبنای توزیع نابرابر ثروت، قدرت و امکانات قرار بگیرد. او نابرابری را منصفانه و عادلانه نشان دهد، زیرا این موقعیت‌ها در حالت عادی براساس یک نظام اخلاقی هستند و براساس اراده و تلاش توزیع نشده‌اند تا انسان نسبت به نتایج این مواهب طبیعی مستحق باشد (همان، ۳۶).

### عدالت اقتصادی براساس رویکرد اقتصاد اسلامی

عدالت اقتصادی به‌منظور از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار اجتماعی برقرار می‌شود. در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی برقرار نباشد، رابطه محسوس میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه وجود نخواهد داشت و گروهی با دسترسی به موقعیت‌های مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به‌خود اختصاص خواهند داد و بدین طریق، فاصله بین اقشار اجتماعی با شتاب روزافزونی بیشتر خواهد شد؛ اما وقتی عدالت اقتصادی برقرار باشد، عامل عمده تعیین‌کننده درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانه افراد خواهد بود و موقعیت‌ها و فرصت‌های یکسان در اختیار همه قرار خواهد گرفت؛ تا افراد برحسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه داشته باشند و تفاوت ناشی از این امر، مسئله نامقبولی نخواهد بود. از طرف دیگر، مراعات عدالت و حقوق ضعیفا و محرومان، باعث از بین رفتن فقر مطلق در جامعه خواهد شد؛ به طوری که کسی به‌خاطر عدم رفع نیازهای اساسی اقتصادی، آسیب نبیند (عسگر، ۱۳۸۰).

امام علی در مورد عدالت حاکمان می‌فرماید: هنگامی که مردم حق حاکم را ادا کنند و نیز حاکم حق مردم را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود، و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت آشکار و سنت چنانکه شایسته است، اجرا می‌شود و اگر مردم بر حاکم چیره شوند یا حاکم بر مردم ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار می‌گردد و نشانه‌های ستم آشکار می‌شود (نهج البلاغه، ۱۳۷۴: خ ۲۱۶).

از دیدگاه اسلام، علاوه بر کار، نیاز نیز عامل دیگری است که سبب ایجاد حق برای نیازمندان می‌شود و حق استیفا از نعمت‌های الهی را برای آنان بالفعل می‌کند. نیازمندان دو دسته هستند: عده‌ای هستند که به هیچ وجه توانایی کارکردن ندارند، همانند اطفال بی‌سرپرست، معلولان جسمی و فکری،

سالخوردگان و بیماران. عده دیگر از نیازمندان توان کار و تلاش دارند و کار هم می‌کنند؛ اما محصول دسترنج آن‌ها برای تأمین نیازهای آن‌ها کافی نیست. هر یک از این دو دسته سهم خود را از ثروت‌های جامعه از طریق سهم‌بری از بیت المال و اموال ثروتمندان استیفا می‌کنند (یوسفی، ۱۳۸۴).

خداوند در آیه «افُؤُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَكَأ تَبَخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَكَأ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف/۸۵) دو توصیه اقتصادی می‌نماید. ابتدا امر به ایفا کیل و سپس ادای حق وزن و پیمانانه و رعایت عدالت در سنجش می‌کند. خداوند در این آیه وفای به کیل و وزن و برهم نزدن جامعه در امور اقتصادی را بر ای انسان بهتر دانسته است. خیر بودن دستورات اقتصادی در این آیه ناظر به فواید آثار دنیوی و اخروی است و آثار مثبت این گونه دستورات، تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی و احساس امنیت را در جامعه را به دنبال خواهد داشت (هنرمند، ۱۴۰۰).

هم چنین خداوند در آیه «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر/۷) در مورد دادن مال و دادن حق یتیم و ارث نیز سخن می‌گوید. این آیه تاکید می‌کند یتیمان و فقرا به عنوان طبقات ضعیف جامعه از لحاظ اقتصادی نیاز شدید به توجه و کمک از سوی افراد دارند. وجود چنین افرادی سبب فاصله طبقاتی می‌شود که خود عامل از بین رفتن عدالت اقتصادی می‌شود. از این اسلام توجه خاصی به حمایت از محرومان و حق یتیمان دارد (همان).

### ۵.۱. یافته‌ها و نتایج پژوهش

در آموزه‌های اقتصادی مولانا انصاف، عدالت و عشق به عنوان ابزارهای اصلی در برابر نابرابری بیان می‌شود. او تاکید دارد که انسان‌ها باید نسبت به همدیگر احساس مسئولیت داشته باشند و از این طریق شکاف‌های اقتصادی را کاهش دهند. او بر اهمیت عدالت اقتصادی و اجتماعی تاکید دارد و آن را جزئی از اصول اخلاقی می‌داند و معتقد است که عدالت باید در تمام ابعاد زندگی انسان جاری شود. مولانا توصیه می‌کند که علاوه بر تأمین نیازهای خود باید به نیازهای دیگران توجه کرد و از این طریق به یک جامعه عادلانه دست یافت. همچنین او معتقد است که حاکمان باید خود را ملزم به رعایت عدالت کنند تا جامعه‌ای سالم و متوازن شکل گیرد. او از عدالت حاکم سخن گفته و در اشعار خود به تناوب آن‌ها را به دادگری فراخوانده است. از نظر مولوی، عدالت حاکم با رعیت موجب شادی مردم و رضایت آن‌ها شده به دوام ملک

کمک می‌کند و همچنین با رعایت سلسله مراتب، موجب برقراری صلح در جامعه می‌شود. مولوی به تبعات دنیوی عدالت و صلح و دوستی و رفاه مردم توجه داشته است اما نتایج اخروی عدالت را نیز از نظر دور نداشته و رسیدگی حاکم به رعیت را موجب عاقبت به خیری او دانسته است. برخلاف اقتصاد متعارف که عدالت اقتصادی را یک مفهوم ثانویه می‌داند و بر حداکثر سازی مطلوبیت فردی تاکید دارد.

## ۲. بحث و بررسی

### ۱.۲. عدالت اقتصادی در مثنوی

عدالت اقتصادی به معنای توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها در جامعه است. بی‌عدالتی، چه در سطح فردی و چه در سطح کلان مثل حکومت، نتیجه‌ای جز تباهی و نابودی ندارد. این موضوع را می‌توان به مسائل اقتصادی تعمیم داد؛ جایی که بی‌عدالتی اقتصادی منجر به تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود و فقر و نابرابری برای دیگران می‌شود. این تمرکز ثروت و بی‌عدالتی اقتصادی، می‌تواند منجر به زوال و سقوط کل سیستم شود.

مولوی نیز در اشعار خود به موضوع عدالت توجه داشته است. در قرن هفتم که او در آن زندگی می‌کرد، ظلم و ستم در جامعه رواج داشت و عدالت از بین رفته بود، پادشاهان ظلم و ستم می‌کردند و عدالت در آن سرزمین جای نداشت اما این پادشاهان ادعا داشتند که می‌خواهند عدالت را در جامعه حاکم کنند. کسانی که دچار حرص و طمع بودند، چگونه می‌توانستند عدالت را در جامعه جاری کنند؟ مولوی هنگامی که به ستم پادشاهان اعتراض می‌کند، زبان تندوتیز دارد و سخنش صریح و آشکار است. به آن‌ها توصیه می‌کند آتش ظلم را در زندگی مردم روشن نکنند و بر ضعیفان ستم نکنند. مولوی اعتقاد دارد در جامعه استبدادی عدالت معنا پیدا نمی‌کند. او می‌گوید چاه‌کنی که برای دیگری چاه می‌کند که انسان‌ها را در آن زنده‌به‌گور کند، عاقبت خود در چاه خواهد افتاد و انسان ظالمی که چاه عمیق در اطراف خود بکند، به خاطر عدالت و به‌عنوان مکافات جزای اعمال خود در این چاه گرفتار مرگ می‌شود. او با استفاده از تمثیل‌های طبیعی، به تبیین مفهوم عدالت اقتصادی می‌پردازد. او نشان می‌دهد که عدالت اقتصادی نه تنها بر عهده حاکمان است بلکه تأثیر مستقیم بر رفاه جامعه دارد. در این راستا، توزیع عادلانه منابع و توجه به نیازهای مردم از اصول اساسی حکمرانی عادلانه محسوب می‌شود. هم‌چنین به زندگی و رونق اقتصادی اشاره دارد که با وجود عدالت اقتصادی حاصل می‌شود.

سالها ادرار و خلعت می‌برید  
مملکتها را مسلم می‌خوردید  
رایتان این بود و فرهنگ و  
طبل‌خوارانید و مکارید و شوم

نجوم  
بینی و گوش و لبانتان بر کنم  
من شما را بر درم و آتش زخم  
(مولوی، ۳: ۱۳۳).

مولوی در ابیات فوق به شدت از سوءاستفاده صاحبان قدرت و ثروت انتقاد می‌کند. او اشاره می‌کند که این افراد سال‌ها از مواهب حکومتی بهره‌مند شده و ثروت و دارایی‌های مملکت را به ناحق تصاحب کرده‌اند. این نقد اصول عدالت اقتصادی در اسلام را تداعی می‌کند، زیرا اسلام بر توزیع عادلانه ثروت و منابع تأکید دارد. مولوی در بیت آخر به ضرورت برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی اشاره می‌کند.

از منظر اقتصادی اگر عدل و داد در جامعه حاکم باشد، آن جامعه پیشرفت اقتصادی خواهد داشت؛ زیرا واقعیت این است که هر کس ستمکارتر باشد، چاهش هولناکتر است. اصولاً عدالت الهی چنین اقتضا کرده است که هر عملی را جوابی است متناسب با آن؛ پس هر عملی که بدی بیشتری داشته باشد، جزای آن نیز همان‌طور است. به عبارت دیگر عدالت زمینه پیشرفت اقتصادی است و هر جامعه‌ای که از عدالت فاصله بگیرد، پیشرفت اقتصادی نخواهد کرد. مولای روم به ظالمان توصیه می‌کند که اگر ضعیفی بر روی زمین به دنبال دادخواهی باشد، در آسمان غلغله به وجود می‌آید. صدای یاری که از این مظلوم بلند شود، صد جواب سوی خدا به او خواهد رسید و ناله‌ها و زاری‌های این مظلوم ظالمان را هلاک خواهد کرد. مولوی بیان می‌کند که اگر مردم جامعه نسبت به هم ظلم کنند به این دلیل است که حاکمان جامعه فاسد هستند و این ویژگی به این دلیل اصل که به مردم جامعه هم انتقال پیدا می‌کند.

چاه مظلوم گشت ظلم ظالمان  
هر که ظالم تر چاهش با هول تر  
این چنین گفتند جمله عالمان  
عدل فرمودست بتر را بتر

(همان، ۱۵: ۷۲).

بیت زیر نیز به پیامدهای اجتماعی ظلم اشاره دارد. مولوی در این بیت، هشدار می‌دهد که ستم بر دیگران نه تنها جامعه را دچار بحران می‌کند، بلکه خود ظالم را نیز در دام عواقب اعمالش گرفتار خواهد کرد. بنابراین، عدالت اقتصادی نه تنها برای حفظ حقوق مظلومان ضروری است بلکه برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از ظلم بر جامعه نیز لازم است.

آهن و سنگ هوا برهم مزین  
کین دو می‌زایند همچون مرد و زن

(همان، ۱: ۸۴۱)

از سویی دیگر امنیت و عدالت اقتصادی دو مفهوم کلیدی در هر جامعه‌ای هستند که به طور مستقیم بر ثبات اجتماعی و توسعه پایدار تأثیر می‌گذارند.

امنیت اقتصادی به معنای تأمین نیازهای اساسی جامعه و ایجاد شرایطی است که افراد بتوانند به طور مطمئن و بدون ترس از ناپایداری‌های اقتصادی زندگی کنند. هم چنین، عدالت اقتصادی به توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه اشاره دارد که هدف آن کاهش فقر و نابرابری است. مولوی نیز شرط اجرای عدالت و امنیت در اجتماع را داشتن عدالت فردی حاکمان جامعه بیان می‌کند.

عدل توزیم و عبادت آوریم      باز هر شب سوی گردون بر  
تا شویم اعجوبه دور زمان      پریم

تا نهم اندر زمین امن و امان

(مولوی، ۱۵: ۳۴۲۳-۳۴۲۴)

در تمثیل تحول روحی ابراهیم ادهم اشاره می‌کند که اگر پادشاهی در مملکت خود عدالت داشته باشد و آن را اساس امور خود قرار دهد، نیازی به نگهداری ندارد؛ زیرا در مملکت او مظلومی وجود ندارد که در حق و ناحق شده باشد.

او همی دانست کان کو عادل      فارغ است از واقعه ایمن دل  
است      است

عدل باشد پاسبان گام‌ها      نه به شب چوبک‌زنان بر بام‌ها

(همان، ۴: ۷۲۹-۷۳۰)

امانت‌داری و عدالت اقتصادی به هم پیوسته‌اند. برای ایجاد یک جامعه عادلانه، لازم است که افراد نسبت به یکدیگر امانت‌دار باشند و حقوق یکدیگر را رعایت کنند. اگر امانت‌ها به درستی حفظ نشوند، عدالت اقتصادی نیز دچار اختلال خواهد شد. بنابراین، اجرای این دو اصل، زمینه‌ساز تحقق جامعه‌ای سالم و عادلانه خواهد بود. مولوی در ابیات زیر بر این موضوع تأکید نموده است:

این امانت زان امانت یافتست      کآفتاب عدل بر وی تافتست  
تا نشان حق نیارد نوبهار      خاک سرها را نکرده آشکار

(مولوی، ۱۵: ۲۳-۲۴).

عدالت اقتصادی یک مفهوم چندبعدی است که نیازمند همکاری میان جامعه و افراد است. با ایجاد سازوکارهای مناسب و رعایت اصول بنیادین آن، می‌توان به سمت جامعه‌ای عادلانه‌تر حرکت کرد که در آن هر فرد بر اساس تلاش خود پاداش دریافت کند و نابرابری‌ها کاهش یابد. مولوی در عدالت اقتصادی به مسائل کار و فعالیت اقتصادی کوشش توصیه و تأکید نموده است. او حتی کوشش بی‌نتیجه را نیز بر خفتگی و بیکاری برتری می‌داند.

دوست دارد یار این آشفستگی      کوشش بیهوده به از خفتگی

(مولوی، ۱۵: ۱۸۱۹)

ابیات زیر اشاره به آیات ۷ و ۸ سوره الرحمن دارد که می‌فرماید: *وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ \* أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ*. و آسمان را برافراشت و ترازو (عدل) را برقرار کرد (۷) تا در سنجش و عدالت تجاوز نکنید. (۸). در این آیات، خداوند به برپایی و رعایت عدالت تأکید می‌کند. ترازو به عنوان نماد عدل و انصاف در معاملات و رفتارهای انسانی به کار رفته است. این مفهوم به خوبی با عدالت اقتصادی پیوند دارد، چرا که در اقتصاد، عدالت به معنای توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها است. مولوی در ابیات زیر به انسان‌ها هشدار می‌دهد که به دلیل حرص و طمع از مسیر عدالت منحرف نشوند. حرص و طمع، دو خصم بزرگ انسان هستند که می‌توانند او را از عدالت دور کنند و باعث بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه شوند. وقتی انسان‌ها در توزیع ثروت و منابع مادی از عدل و انصاف دور شوند، جامعه به سوی نابرابری و فساد سوق پیدا می‌کند.

حق تعالی داد میزان را زبان	هین ز قرآن سوره رحمان بخوان
هین ز حرص خویش میزان را	آز و حرص آمد تو را خصم
مهل	مضل

(همان، د: ۵: ۱۴۰۱-۱۴۰۰)

هم چنین یکی از موضوعاتی که مولوی در عدالت اقتصادی مورد توجه قرار داده است، حفظ مال یتیم است. او با تأثیر پذیرفتن از آیات قران مال یتیم را امانتی می‌داند که باید به آنان بازگردانده شود: *وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ بُلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (انعام ۵۲)*.

بعد از آن گفتش که گندم آن کیست؟	گفت امانت از یتیمی بی‌وصی است
مال ایتم است امانت پیش من	زانکه پندارند مارا مؤتمن
گفت: من مضطرم و مجروح	هست مردار این زمان بر من
حال	حلال

(همان، د: ۶: ۵۲۶-۵۲۸)

مولوی همان‌گونه که به کسب مال توجه نموده است، توصیه‌های بسیاری در مورد حق مالکیت دیگران دارد. او بیان نموده که مال یکدیگر را به باطل ضایع نکنند و در دادوستد انصاف و عدالت را رعایت کنند. مولوی در مورد حق مالکیت خصوصی فرد داستان‌های زیادی دارد و اشاره می‌کند که هر کسی برای بدست آوردن اموال شخصی خود زحمت زیادی کشیده است و همه باید حرمت آن را حفظ کنند.

مال ایشان خون ایشان دان      زانکه مال از زور آید در یمین  
یقین (همان، ۳: ۱۵۷)

مولوی به حفظ امنیت اقتصادی نیز سفارش می‌کند. علاوه بر آن به شیوه‌های بازدارنده برای متجاوزان نیز اشاره می‌کند؛ مثلاً مجازات دزد را که سبب از بین رفتن امنیت اقتصادی جامعه می‌شود، توصیه می‌کند.

دشمن راه خدا را خوار دار      دزد را منبر منه بر دار دار  
دزد را تو دست ببردن پسند      از بریدن عاجزی دستش ببند  
(همان، ۵: ۳۰۴۵-۳۰۴۶)

یکی از تفاوت‌های توسعه عدالت محور در نظام اقتصاد اسلامی و متعارف کاهش فقر است. در نظام اقتصاد متعارف، نوعی نگاه ابزاری به انسان وجود دارد که کاهش فقر را تنها دلیل بهبود شرایط تولید و مصرف و روبرو نشدن با بحران می‌داند. اما در اقتصاد اسلامی از بین رفتن فقر ارتباط با کرامت انسانی دارد. در آیه ۷۰ سوره اسرا آمده است: *وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا*. طبق آیه باید کرامت‌های انسانی حفظ شود. رابطه مستقیم بین عدالت اقتصادی و فقر وجود دارد؛ زیرا هر چه عدالت اقتصادی بیشتر رعایت شود، فقر کمتر خواهد شد. این امر نه تنها به بهبود وضعیت معیشتی افراد کمک می‌کند بلکه باعث تقویت انسجام اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها نیز می‌شود. بنابراین، تحقق عدالت اقتصادی باید در اولویت سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد تا بتوان به اهداف توسعه پایدار دست یافت.

مولوی در داستان کودک حلوا فروش به این موضوع اشاره می‌کند:

چون طبق خالی شد آن کودک      گفت دینارم بده ای با خرد  
ستد      ناله و گریه برآورد و حنین  
کودک از غم زد طبق را بر      تو یقین دان که مرا استاد کشت  
زمین      او مرا بکشد اجازت می‌دهی؟  
(همان، ۲: ۴۰۵-۴۰۸)

پیش شیخ آمد که ای شیخ  
درشت  
گر روم من پیش او دست  
تهی

یکی از شکل‌های عدالت اقتصادی عدالت در مصرف است. فراگیرترین رفتار اقتصادی مصرف به حساب می‌آید. زیرا انسان بدون تولید و مبادله می‌تواند

زندگی کند اما ادامه زندگی بدون مصرف برخی از کالاها ممکن نیست. برخی از رفتارهای انسان در مصرف غیرشاکرانه و معارض عدالت اقتصادی است. این موضوع در اقتصاد متعارف معنای آن چنانی ندارد زیرا مصرف کننده در استفاده از کالاها آزاد و مختار است. اسراف عدم عدالت اقتصادی در مصرف است. اسراف و مصرف بی‌رویه تاثیر به سزایی در اقتصاد جامعه دارد. در صورتی که مصرف بیش از حد نیاز باشد، باید محصول بیشتری تولید گردد. در نتیجه نیروی کار، سرمایه و منابع بیشتری استفاده می‌شود، اما مطلوبیت در همان نقطه قبل باقی می‌ماند.

مولوی در اشعار خود به شاه کلید مصرف و دوری از اسراف اشاره نموده است:  
«کلوا و شربوا و لا تسرفوا»

دلنه کمتر خور مکن چندین رفو      چون کلوا خوانندی بخوان لا  
آن گلوی ابتلا بد وین گلو      تسرفوا  
فارغ از اسراف و آمن از غلو  
(همان، ۵: ۱۴۰۷)

اسراف یکی از آفات مهم اقتصادی است که آثار مخربی بر اقتصاد خانواده و جامعه دارد. مقابله با این پدیده نیازمند اصلاح الگوهای مصرف، ترویج فرهنگ قناعت و رعایت اعتدال در بهره برداری از منابع است. با کنترل اسراف می‌توان گام مهمی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی برداشت.

از نظر مولوی، انسانی که هدف و مقصد او حداکثر سازی رضایت خداوند و بالا بردن درجه آخرت و رسیدن به رستگاری است، همیشه در پی بالا بردن تولید و تلاش برای بالا بردن رفاه خود و انسان‌های دیگر است. به خواسته‌های مردم توجه می‌کند و همچنین از اسراف جلوگیری می‌کند و از کمک به هم‌نوع، آن هم در قالب صدقه، زکات، انفاق و غیره دریغ نمی‌کند. توصیه‌های اقتصادی مولوی تأکید به برطرف کردن فقر نسبی و رفع نابرابری‌ها در کل جامعه و طبقات مختلف اجتماعی است.

اگر در یک اقتصاد مبادله‌ای انسان فقیر و انسان ثروتمند باشند، از نظر تعالیم اقتصادی مولوی باید نقطه تعادل وجود داشته باشد؛ انسان ثروتمند نسبت به انسان فقیر متعهد و مسئول باشد و مطلوبیت خود را نسبت به فرد فقیر حداکثر کند. عدالت اقتصادی یعنی رعایت حقوق اقتصادی در رفتارها و روابط اقتصادی؛ جامعه وقتی به عدالت اقتصادی می‌رسد که افراد جامعه به ثروت و درآمد که حق خود آن‌هاست، دست پیدا کنند. براساس تعالیم اقتصادی مولوی اگر عدالت در جامعه پیاده شود، فقر از بین خواهد رفت و شکاف طبقاتی در جامعه به وجود نمی‌آید و امنیت اقتصادی نیز در جامعه محقق خواهد شد. در بحث عدالت آموزه‌های مولوی با نظریه عدالت مشابهت‌هایی به نظر می‌رسد. در نظریه عدالت رالز و مفهوم عدالت در مثنوی هردو به موضوع عدالت توزیعی اهمیت داده‌اند. توجه به نیازمندان، توزیع مساوی در امکانات اولیه و توجه به کرامت انسانی در حدیقه و مثنوی و نظریه عدالت سفارش شده‌است. اما در منشأ آن تفاوت‌هایی وجود دارد که در نظریه عدالت، رالز عدالت را امری قراردادی می‌داند اما در حدیقه و مثنوی آن را مفهومی حقیقی بیان می‌کنند.

در اقتصاد متعارف رالز تلاش کرده‌است که عدالت را وارد لیبرالیسم کند، اما تأکید او بر بعضی آموزه‌ها مانند اقتصاد بازار آن نظریه‌ی او را دچار مشکل ساخت. با توجه به اشعار مولوی ضعفاً از اموال ثروتمندان دارای حق هستند و اما در اقتصاد متعارف اگر دولت مبالغی از مالیات را به‌صورت کمک ماهیانه در اختیار مردم قرار می‌دهد، این امر تحت عنوان یاری ثروت ثروتمندان بیان می‌شود و باعث می‌شود که شخصیت افراد دچار خدشه شود. در چنین نظامی افراد خود را در اموال دیگران ذی‌حق حساب نمی‌کنند و با توجه به آموزه‌های اقتصادی مولوی، به افرادی که توانایی کارکردن ندارند یا از استعداد بالایی برخوردار نیستند، نباید ظلم شود. او به شرایطی که انسان‌ها در آن رشد کرده‌اند، توجه می‌کند و برای همه فرصت‌های برابری برای پیشرفت را توصیه

می‌کند. در تفاوت نظریه عدالت رالز و عدالت مورد نظر مولوی می‌توان گفت که رالز عدالت را امری قراردادی می‌داند اما مولوی آن را امری حقیقی می‌شمارد. موضوع توزیع درآمد و ثروت مورد توجه رالز قرار نگرفته، اما این شاعر به این مورد توجه داشته‌است. اختلاف طبقاتی در عدالت رالز جایگاهی ندارد اما مولوی به آن اشاره کرده‌اند.

استناد:

رضوی، زهره، خیرخواه برزکی، سعید، رضوی، سیدعبداله. بررسی و مقایسه عدالت اقتصادی از منظر مولانا با اقتصاد متعارف. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.507354.1249>

## منابع

قران کریم

- نهج البلاغه، (۱۳۶۰)، ترجمه و شرح حسین عماد زاده، انتشارات شرق.
- فرهنگ بزرگ سخن، (۱۳۸۲)، انوری، حسن، جلد اول، تهران، سخن
- بلوری، مریم، (۱۳۹۶)، اقتصاد سالم و ناسالم از نگاه قرآن و مثنوی، کنفرانس ملی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- بهرامی قصر چمی، خلیل و همتی نژاد، حسین، (۱۳۹۵)، «آموزه های اقتصادی مولوی، مطالعات ادبیات»، عرفان و فلسفه، ۲(۱/۳)، ۲۹۱-۲۶۸.
- تواناییان فرد، حسن (۱۳۶۳)، ادبیات ایران از دیدگاه اقتصاد، تهران، علوی.
- جان رلز، (۱۳۷۶)، «عدالت و تصمیم گیری عقلانی» ترجمه مصطفی ملکیان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی شماره ۲، ۸۰-۹۳.
- عباس زاده، فاضل، حبیبی، اصبر. (۱۳۹۹) بررسی شاخصه های حکومت دینی در قصه های تمثیلی مثنوی مولوی
- تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، ۴۴(۱۲)، ۸۹-۱۱۴.
- عسگری حشمت ا. ابراهیمی سید احمد، (۱۳۹۸)، «واکوی اقتصاد رفتاری در قران، فصلنامه اقتصاد اسلامی»، شماره ۸۰، ۵۰-۲۵
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۷۷)، اصول علم ثروت ملل، چاپ اول، تهران، فروزان.
- کوچک زاده، میثم، (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری (کلاسیک)». بررسی مسائل اقتصاد ایران، شماره ۳، شماره ۱ (شماره پیاپی: ۵)، ۴۱-۵۹.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب، (۱۳۸۱)، مبنای علم اقتصاد، تهران: خجسته.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، (۱۳۷۸)، مثنوی معنوی، تصحیح قوام الدین خرمشاهی، دوم، انتشارات ناهید.
- واعظی، احمد، (۱۳۸۴)، نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب.
- هنرمند، سیدمرتضی، (۱۴۰۰)، «غایت شناسی آیات اقتصادی قرآن کریم، دانشگاه علوم رضوی، دوره نخست، شماره ۱.
- یوسفی، احمدعلی، (۱۳۸۴)، عدالت اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۷.